



پیام سخنگاه فراترازمرزها بمناسبت سی و دومین سالروز شهادت زنده یاد مولانا بحرالدین باعث

اکنون مادرآستانه یازدهم دلو، یکی از سیاه ترین روزهای حزن انگیزتاریخ خونین کشورمان قرار داریم؛ روزی که جلادان خون آشام تشنه قدرت، قلب بزرگی را که برای آزادی انسان سرزمین ما از زیرستم مضاعف طبقاتی و ملی می تپید، با شلیک سرب مذاب از حرکت بازایستادند. ۳۲ سال پیش از امروز درشامگاه یازدهم دلو ۱۳۵۷ خورشیدی جلادانی از تبار عبدالرحمن و نادراما این بارازنام خلق و ستمکشان بزرگترین حامی خلق و ستمکشان کشورمان مولانا بحرالدین باعث، این سردار سرافرازآزادگی و نماد بلند خرد و شجاعت و مردم باوری را از ما و مردم افغانستان گرفتند.

زیرا میراث داران خون و خیانت که در حقیقت ادامه دهندگان انحصار و برتری جویی در لباس چرکین قبیلوی بگونه دیگری بودند، خوب میدانستند که بزرگترین آماج یورش باعث که خرد و آزادگی را در کمال وارستگی انسانیش درهم آمیخته و آنرا در کلام آتشین خویش تجسم میبخشید، همانا فروپاشی انحصار دود مانی و تک محوری قبیلوی در پوشش خرافات ضد دینی زیر نام دین برخاسته از حجره ها و مراکز آرایش استعماری و اشکال دیگر تبعد فکری از گونه آستان بوسی در چهره نوین از طیف دیگری بود.

۳۲ سال پیش از امروز جلادان خونریز و آرایشگران بنجل مکاره بین الملل دوم و ریخته گران خون برژنفیسم و تجاوز، سروبلندی از سروستان آزادی و خود بودن را سرزدند، که برای نخستین بار سرود آزادی و باورمندی به مردم خویش را در چارچوب جامعه برابری، برادری و شهروندی بر بنیاد شایسته سالاری درگوش جان مردم خویش طنین افکند و با برافراشتن پرچم قیام آزادگان برای سرنگونی

وفروپاشی بنیاد انحصاروبرتری جویی، نه تنها زوال رژیم پوشالی دود مانی را طی ۴۵ روزمقاومت خویش درانظارمردم کشوروبویژه مردم شمال هندوکش به نمایش گذاشت، بلکه ازاین طریق صداقت وتعهد خویش را برآنچه باورداشت به اثبات رسانیده وبرهنگونه اندیشه یی دنباله روی وآستان بوسی خط بطلان کشید.

باعث یکی ازاستثنایی ترین روشنفکرانی بود که باهرگونه رنگ وتعلق خاطر واندیشه یی که ازآن رنگ وبوی وابستگی استشمام میگردید، بری بود ودرهیچ پرونده دنباله روی ثبت وسجیل نبود. اوبحق بنیاد گذارمکتب ملی دربی آلیشانه ترین شکل آن بود. مکتبی که گذشت زمان درستی وحقانیت آنرا برای اکثریت مطلق مردم افغانستان به اثبات رسانیده است. درعین اینکه بقول دانشمند وسخنورکم بدیل کشورمان جناب استاد باختری:

« بیدرنگ باید بیفزائیم که آن مرد پاک وپکیزه به هیچوجه نمیگذاشت که دامان وجدانش با لکه های تعصب، تفوق طلبی وبرتری جویی آلوده شود».

بلی، درمکتب باعث جزبرابری ملی، عدالت اجتماعی، ارزشمداری وانسانیت انسان چیزدیگری وجود نداشت. او به ارجحیت منافع ملی نسبت به مسایل دیگری اندیشید وبربنیاد همین نگرش وازجایگاه همین برتری منافع ملی کشوری به منافع ملی کشورهای دیگرنگاه میکرد وبا هرگونه برتری جویی وزورگویی با استواری تمام مبارزه مینمود.

غلام همت آنم که زیرچرخ کبود زهرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

سرگذشت خونین ۳۲ ساله کشوربیشترازپیش اثبات کننده هرچه رساتراندیشه ودریافت باعث ازژرفای جامعه یی است که گردانندگان آن درطول دونیم سده پسین جزتیندن درتاروپود مندرس بساط نخ نما وفرورفتن درلاک سنگی انحصارقبیلوی کدام پیام وسازندگیی دیگری برای مردم اسیروگروگان گرفته شده افغانستان نداشته ونخواهند داشت. چون درمحور تفکر قبیله اندیشان ازهرطیف فکری راست وچپ وسوسیال فاشیسم، جزچسپیدن به پوستین چرکین قبیله وآرایش بساط انحصار وبرتری جوی چیزدیگری نمیباشد. تجربه درد ناک چند سال اخیرکه اوج تهاجم تفکرتقبیلوی درچهره گروه سنگواره اندیش پدیده طالبانی را به نمایش گذاشت، بزرگترین آزمونی بود برای وارثان بعدی که باید ازاین شب دشواربرای ساختاریک نظام ملی برمحور شهروندی

وشایسته سالاری در جهت تأمین و تثبیت منافع ملی و مشخص گردیدن چهارچوب محاسبات سیاسی خارجی در پیوند با منافع بین المللی گام برمیداشتند.

اما گریزگردانندگان چرخ سیاست از قانونمداری و پیگیری سیاستهای بنیاد برافکن انحصارطلبی و اندیشیدن در مدار قوم و قبیله و ویژه در طی ده سال اخیر با وجود فشارهای داخلی و بیرونی - با حفظ بحران خونین به هر قیمتی در راستای نهادینه ساختن امتیازات قبیله‌ای - بیشتر از پیش اثبات مینماید که درک و شناخت مولانا باعث و یاران همباورش از ویژگیهای درونی جامعه ما در همه گونه هایش، چقدر دقیق، علمی و جامعه شناسانه بوده است. با اندک تأمل در سیر اندیشه باعث و یارانش به سادگی میرساند که برای گذار از این بحران مزمن و خونین و رسیدن به یک جامعه قانونمند، ارزشمدار و حقوق بنیاد در بستر متداوم امنیت عادلانه و صلح پایدار و همزیستی برادرانه، جز گردن گذاشتن به واقعیت‌های عینی جامعه و احترام به حقوق همه اقوام و قبایل کشور در چهارچوب برابری و محو هر گونه ستم و بیعدالتی ملی نخواهد بود. «راه در جهان یکی است و آنهم راستی است».

راه شهید قهرمان باعث و یاران باعث که از دهلیز خونین قربانیان بی شمار ۴۲ ساله عبور نموده است، خلاف همه کج نگری و کج بحثیهای این دوران، جز راستی و جستجوی راه های دریافت بیمه کننده همیشگی سعادت و خوشبختی ملت افغانستان بطور کل چیز دیگری نبوده و هرگز نخواهد بود. اکنون ۴۲ سال از بنیادگذاری مکتب ملی و ۳۲ سال از شهادت جانگداز آن سرور سرافراز آزادی و هزاران شهید راه و مکتب باعث میگذرد؛ اما آنچه محقق است و در درستی آن نمیتوان تردید نمود، اثبات راه و بیان شاه کلید حل نهادینه همه تضادها و کشیدگی های اجتماعی است که بمثابة پای بند بازدارنده، کشور ما را از پیشرفت در مسیر تکامل اجتماعی و همسویی با کاروان تمدن جهانی باز داشته است. و آن شاه کلید در حقیقت حل عادلانه مسئله ملی در افغانستان بر بنیاد پذیرش اصل جامعه شهروندی و حقوق بنیاد در اندیشه و عمل و باور مندی به مردم افغانستان بمثابة وارثان و سازندگان اصلی و حقیقی این جامعه میباشد.

یاد مولانا باعث آن شهید سرافراز و همه شهدایی که صدقانه در راه آرمانهای بزرگ انسانی جانهای شریفشان را هدیه نموده اند گرامی باد و راه شان مستدام و پیررو!

۲۶ جنوری ۲۰۱۱ میلادی

مونتریا - کانادا



شهید مولانا بحرالدین ” باعث “ باجمعی از یارانش